

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات زنان

بررسی نگرش طلاب حوزه و دانشجویان دانشگاه نسبت به نقش زن در
اجتماع

توسط

مینا حاجی پور

استاد راهنما

دکتر سعید زاهد

اردیبهشت ۸۷

وزارت اطلاعات
تعمیرات

۱۳۸۷ / ۴ / ۳

۹۸۴۱۷

به نام خدا

بررسی نگرش طلاب حوزه و دانشجویان دانشگاه نسبت به نقش زن در اجتماع
(مطالعه موردی طلاب حوزه علمیه شیراز و دانشجویان دانشگاه شیراز)

به وسیله ی

مینا حاجی پور

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی
از فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی

مطالعات زنان

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: خوب.

دکتر سعید زاهد، استادیار بخش جامعه شناسی (رئیس کمیته).....

دکتر حلیمه عنایت، استادیار بخش جامعه شناسی.....

دکتر مجید موحد، استادیار بخش جامعه شناسی.....

اردیبهشت ۸۷

تقدیم به:

پدر و مادرم

که نگاه‌های پر مهرشان مایه وجود من است

خواهرانم

که دلسوزی و مهربانی‌شان مایه دلشادی من است

برادرانم

که دوستی و یکرنگی‌شان مایه افتخار من است

سپاسگزاری

بیش از هر چیز پروردگار بزرگ را شاکرم که توفیق داد بهترین سالهای عمرم در کسب دانش بگذرد. چشمانم را به نور علم روشنی و دستانم را به فضیلت قلم آشنا کرده و دلم را به اشتیاق آموختن و جانم را به بی تابی دانستن شرافت بخشید.

هرگز نخواهم توانست از زحمات، حمایتها و تشویقهای پدر و مادرم به شایستگی سپاسگذاری کنم چرا که عمر و هستی خود را وقف پرورش و تعلیم ما کردند. آرزومندم خداوند به پدر و مادرم عمر با برکت عطا کند تا همچنان از زلال مهرشان بنوشم و اندکی از زحماتشان جبران نمایم.

از استادان بسیار بزرگوام که در مدت تحصیل از نور علم و معرفت آنان بهره‌ها برده‌ام بسیار سپاسگذارم بخصوص استاد صبور و فاضلم جناب آقای دکتر زاهد که زحمت راهنمایی انجام پایان نامه به عهده ایشان بوده و علاوه بر کمکهای علمی از حسن خلق و تجربه‌های ارزنده خود مرا مورد لطف قرار داده‌اند سپاسگزاری می‌کنم. همچنین از اساتید دانشمند و بزرگوام سرکار خانم دکتر عنایت و جناب آقای دکتر موحد که راهنماییهای ارزنده آنان در مراحل انجام پایان نامه همواره چراغ راه من بود تشکر می‌کنم.

در انجام این کار برخی از دوستانم بخصوص خانم معافی مرا بسیار یاری کردند. که از همگی آنان متشکرم و برایشان آرزوی موفقیت می‌کنم.

در پایان از کلیه کسانی که در انجام این پژوهش مرا یاری کرده‌اند سپاسگذارم.

چکیده

بررسی نگرش طلاب حوزه و دانشجویان دانشگاه نسبت به نقش زن در اجتماع
(مطالعه موردی طلاب حوزه علمیه شیراز و دانشجویان دانشگاه شیراز)

به وسیله ی:

مینا حاجی پور

با توجه به اینکه در کشور ما دو نهاد بزرگ علمی بنام دانشگاه و حوزه وجود دارد و محیط و دروسی که در هر یک از آنها تدریس می‌شود متفاوت است، به نظر می‌رسد نگرش‌ها و طرز تفکر افرادی که در آنها مشغول به تحصیل هستند نیز با یکدیگر متفاوت است. پس هدف از انجام این تحقیق بررسی نگرش طلاب و دانشجویان نسبت به نقش زن در اجتماع می باشد. این تحقیق به شیوه پیمایش انجام شده است. و داده‌ها بوسیله پرسشنامه از ۵۳۰ نفر از دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی و اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز و طلاب حوزه‌های علمیه شیراز جمع‌آوری شده است. در این تحقیق از نظریه‌های جامعه‌شناسی، فمینیستی و اسلامی در مورد نقش زن استفاده شده است. چارچوب نظری تحقیق ترکیبی از نظریه‌های جامعه‌شناسی، فمینیستی و اسلامی می‌باشد. متغیرهای مستقل ما سن، جنس، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی، وضعیت تأهل، محل تولد و غیره... بوده که مورد بررسی قرار گرفت. جهت سنجش نقش زن که متغیر وابسته ما بود از شاخصهای حضور زن در خانه، حضور زن در خارج از خانه، مشارکت اقتصادی، فرهنگی و سیاسی استفاده شده است. ارزیابی یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار علوم اجتماعی (SPSS) انجام شد. با توجه به دو فرضیه اصلی ما که یکی رابطه بین تحصیلات در حوزه و نقش زن در خانه و دیگری رابطه بین تحصیلات در دانشگاه و نقش زن در خارج از خانه می- باشد فرضیه‌های اصلی ما تأیید شدند و بین رشته تحصیلی و نوع نگرش نسبت به نقش زن رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین سن و جنس و نوع نگرش نسبت به نقش زن رابطه معنادار وجود دارد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات
۱	۱-۱- مقدمه
۷	۲-۱- مسئله پژوهش
۹	۳-۱- اهمیت پژوهش
۱۰	۴-۱- اهداف پژوهش
۱۲	فصل دوم: پیشینه پژوهش
۱۲	۱-۲- پژوهش های داخلی
۱۸	۲-۲- پژوهش های خارجی
۲۴	۳-۲- نقد پژوهش های پیشین
۲۶	فصل سوم: چارچوب نظری پژوهش
۲۶	۱-۳- نظریه های جامعه‌شناسی
۲۷	۱-۱-۳- نظریه کارکردی
۲۸	۲-۱-۳- نظریه نقش جنسی و خانوادگی
۲۹	۳-۱-۳- نظریه نقشها
۲۹	۴-۱-۳- نظریه تقسیم کار در خانه
۳۱	۵-۱-۳- نظریه نقش دوگانه‌ی زن

۳۱	۳-۱-۶- بازار کار دوگانه
۳۲	۳-۱-۷- نظریه گیدنز
۳۳	۳-۲- نظریه‌های فمینیسم
۳۴	۳-۲-۱- فمینیسم لیبرال
۳۵	۳-۲-۱-۱- بتی فریدان
۳۵	۳-۲-۱-۲- مری ولستون کرافت
۳۶	۳-۲-۱-۳- هریت تیلور
۳۶	۳-۲-۱-۴- پولین دلبار
۳۷	۳-۲-۲- فمینیسم مارکسیست
۳۷	۳-۲-۲-۱- فردریش انگلس
۳۸	۳-۲-۲-۲- میشل بارت
۳۹	۳-۲-۳- فمینیسم رادیکال
۴۰	۳-۲-۳-۱- آن‌اکلی
۴۱	۳-۲-۳-۲- کیت میلث
۴۲	۳-۲-۳-۳- مری دیلی
۴۲	۳-۲-۳-۴- مری آبرین
۴۳	۳-۲-۴- فمینیسم سوسیالیست
۴۴	۳-۲-۴-۱- هایدی هارتمن
۴۴	۳-۲-۴-۲- جولیت میچل
۴۵	۳-۲-۴-۳- ایریس یانگ
۴۶	۳-۲-۵- فمینیسم اگزیستانسیالیست
۴۶	۳-۲-۵-۱- سیمون دوبوار
۴۶	۳-۲-۶- فمینیسم روانکاوانه
۴۷	۳-۲-۶-۱- زیگموند فروید
۴۷	۳-۲-۶-۲- نانسی چودورف
۴۸	۳-۲-۶-۳- دوروتی دینرشتاین
۴۹	۳-۲-۷- فمینیسم فرامدرنیسم

۵۰	۳-۳- نظریه‌های اسلامی
۵۱	۳-۳-۱- روشنفکران
۵۱	۳-۳-۱-۱- عبدالکریم سروش
۵۲	۳-۳-۲- محمد مجتهد شبستری
۵۳	۳-۳-۲- اصولگرایان تمدن‌گرا
۵۳	۳-۳-۱- ثریا مکنون
۵۴	۳-۳-۳- اصولگرایان تحول‌گرا
۵۴	۳-۳-۱- سیدعباس نبوی
۵۵	۳-۳-۲- مهدیه‌السادات مستقیمی
۵۶	۳-۴- چارچوب نظری مورد استفاده در این تحقیق
۵۸	۳-۵- مدل نظری تحقیق
۵۹	۳-۶- مدل عملی تحقیق
۶۰	۳-۷- فرضیات تحقیق

۶۱

فصل چهارم: روش‌شناسی تحقیق

۶۱	۴-۱- روش تحقیق
۶۲	۴-۲- جامعه آماری
۶۲	۴-۳- حجم نمونه
۶۳	۴-۴- روش نمونه‌گیری
۶۴	۴-۵- واحد تحلیل
۶۴	۴-۶- وسایل جمع‌آوری داده‌ها
۶۵	۴-۷- آزمون مقدماتی پرسشنامه
۶۵	۴-۸- اعتبار و روایی ابزار سنجش
۶۵	۴-۹- پایایی و تکرارپذیری
۶۶	۴-۱۰- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
۶۶	۴-۱۱- روش تجزیه و تحلیل دو متغیره و چند متغیره

۶۷	۱۲-۴- تعریف نظری و عملی متغیرها
۶۷	۱-۱۲-۴- متغیرهای مستقل
۶۸	۲-۱۲-۴- متغیر وابسته
۶۹	۱-۲-۱۲-۴- تعریف نظری متغیر وابسته
۶۹	۲-۲-۱۲-۴- تعریف عملیاتی متغیر وابسته
۷۱	فصل پنجم: تجزیه و تحلیل داده‌ها
۷۱	۱-۵- تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها
۷۱	۱-۱-۵- فراوانی رشته تحصیلی
۷۲	۲-۱-۵- رشته تحصیلی و سن
۷۲	۳-۱-۵- رشته تحصیلی و وضعیت جنسی
۷۳	۴-۱-۵- رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی
۷۴	۵-۱-۵- رشته تحصیلی و قومیت
۷۴	۶-۱-۵- رشته تحصیلی و وضعیت تأهل
۷۵	۷-۱-۵- رشته تحصیلی و تعداد فرزندان
۷۶	۸-۱-۵- رشته تحصیلی و وضعیت تحصیلی پدر
۷۶	۹-۱-۵- رشته تحصیلی و وضعیت تحصیلی مادر
۷۷	۱۰-۱-۵- رشته تحصیلی و محل تولد
۷۸	۱۱-۱-۵- رشته تحصیلی و مدت سکونت در شهر
۷۸	۱۲-۱-۵- رشته تحصیلی و هزینه ماهیانه خانوار
۷۹	۱۳-۱-۵- رشته تحصیلی و سوالات مربوط به متغیر وابسته
۸۸	۲-۵- تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها
۸۸	۱-۲-۵- بررسی فرضیه اول
۸۹	۲-۲-۵- بررسی فرضیه دوم
۹۲	۳-۲-۵- بررسی فرضیه سوم
۹۵	۴-۲-۵- بررسی فرضیه چهارم
۱۰۱	۵-۲-۵- بررسی فرضیه پنجم

۱۰۳	۵-۲-۶- بررسی فرضیه ششم
۱۰۹	۵-۲-۷- بررسی فرضیه هفتم
۱۱۱	۵-۲-۸- بررسی فرضیه هشتم
۱۱۴	۵-۲-۹- بررسی فرضیه نهم
۱۱۸	۵-۲-۱۰- بررسی فرضیه دهم
۱۲۰	۵-۲-۱۱- بررسی فرضیه یازدهم
۱۲۲	۵-۲-۱۲- بررسی فرضیه دوازدهم
۱۲۴	۵-۲-۱۳- بررسی فرضیه سیزدهم
۱۲۹	۵-۳- تحلیل رگرسیون چندمتغیره
۱۳۶	فصل ششم: بحث و نتیجه گیری
۱۳۶	۶-۱- خلاصه پژوهش
۱۳۹	۶-۲- بحث
۱۴۲	۶-۳- محدودیتها و مشکلات تحقیق
۱۴۲	۶-۴- پیشنهادات
۱۴۷	منابع و مأخذ
۱۴۷	منابع فارسی
۱۵۲	منابع لاتین
۱۵۵	پرسشنامه

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۶۴	جدول ۱-۴- تعداد افراد نمونه
۶۶	جدول ۴-۲- پایایی گویه های چند گانه نقش زن
۷۲	جدول ۵-۱-۱- توزیع فراوانی و درصد رشته تحصیلی پاسخگویان
۷۲	جدول ۵-۱-۲- توزیع فراوانی و درصد رشته تحصیلی و وضعیت سنی پاسخگویان
۷۳	جدول ۵-۱-۳- توزیع فراوانی و درصد رشته تحصیلی و وضعیت جنسی پاسخگویان
۷۳	جدول ۵-۱-۴- توزیع فراوانی و درصد رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی پاسخگویان
۷۴	جدول ۵-۱-۵- توزیع فراوانی و درصد رشته تحصیلی و قومیت پاسخگویان
۷۵	جدول ۵-۱-۶- توزیع فراوانی و درصد رشته تحصیلی و وضعیت تأهل پاسخگویان
۷۵	جدول ۵-۱-۷- توزیع فراوانی و درصد رشته تحصیلی و تعداد فرزندان پاسخگویان
۷۶	جدول ۵-۱-۸- توزیع فراوانی و درصد رشته تحصیلی و میزان تحصیلات پدر پاسخگو
۷۷	جدول ۵-۱-۹- توزیع فراوانی و درصد رشته تحصیلی و میزان تحصیلات مادر پاسخگو
۷۷	جدول ۵-۱-۱۰- توزیع فراوانی و درصد رشته تحصیلی و محل تولد پاسخگویان
۷۸	جدول ۵-۱-۱۱- توزیع فراوانی و درصد رشته تحصیلی و مدت سکونت در شهر پاسخگویان
۷۹	جدول ۵-۱-۱۲- توزیع فراوانی و درصد رشته تحصیلی و هزینه ماهیانه خانوار پاسخگویان
۸۴	جدول ۵-۱-۱۳- توزیع فراوانی و درصد رشته تحصیلی و سوالات مربوط به متغیر وابسته

- ۸۸ جدول ۵-۲-۱- آزمون رابطه بین تحصیلات در حوزه و نقش زن در خانه
- ۸۹ جدول ۵-۲-۲-۱- آزمون رابطه بین تحصیلات در دانشگاه و نقش زن در خارج از خانه
- ۹۰ جدول ۵-۲-۲-۲- آزمون رابطه بین تحصیلات در دانشگاه و مشارکت اقتصادی زنان
- ۹۰ جدول ۵-۲-۲-۳- آزمون رابطه بین تحصیلات در دانشگاه و مشارکت فرهنگی زنان
- ۹۱ جدول ۵-۲-۲-۴- آزمون رابطه بین تحصیلات در دانشگاه و مشارکت سیاسی زنان
- ۹۳ جدول ۵-۲-۳-۱- آزمون رابطه بین رشته تحصیلی در دانشگاه و نقش زن در خانه
- ۹۳ جدول ۵-۲-۳-۲- آزمون رابطه بین رشته تحصیلی در دانشگاه و نقش زن در خارج از خانه
- ۹۳ جدول ۵-۲-۳-۳- آزمون رابطه بین رشته تحصیلی در دانشگاه و مشارکت اقتصادی زنان
- ۹۴ جدول ۵-۲-۳-۴- آزمون رابطه بین رشته تحصیلی در دانشگاه و مشارکت فرهنگی زنان
- ۹۴ جدول ۵-۲-۳-۵- آزمون رابطه بین رشته تحصیلی در دانشگاه و مشارکت سیاسی زنان
- ۹۶ جدول ۵-۲-۴-۱- آزمون رابطه بین مقطع تحصیلی و نقش زن در خانه
- ۹۷ جدول ۵-۲-۴-۲- آزمون رابطه بین مقطع تحصیلی و نقش زن در خارج از خانه
- ۹۸ جدول ۵-۲-۴-۳- آزمون رابطه بین مقطع تحصیلی و مشارکت اقتصادی زنان
- ۹۹ جدول ۵-۲-۴-۴- آزمون رابطه بین مقطع تحصیلی و مشارکت فرهنگی زنان
- ۱۰۰ جدول ۵-۲-۴-۵- آزمون رابطه بین مقطع تحصیلی و مشارکت سیاسی زنان
- ۱۰۲ جدول ۵-۲-۵-۱- آزمون رابطه بین سن و نقش زن در خانه
- ۱۰۲ جدول ۵-۲-۵-۲- آزمون رابطه بین سن و نقش زن در خارج از خانه
- ۱۰۲ جدول ۵-۲-۵-۳- آزمون رابطه بین سن و مشارکت اقتصادی زنان
- ۱۰۲ جدول ۵-۲-۵-۴- آزمون رابطه بین سن و مشارکت فرهنگی زنان
- ۱۰۲ جدول ۵-۲-۵-۵- آزمون رابطه بین سن و مشارکت سیاسی زنان
- ۱۰۴ جدول ۵-۲-۶-۱- آزمون رابطه بین محل تولد و نقش زن در خانه
- ۱۰۵ جدول ۵-۲-۶-۲- آزمون رابطه بین محل تولد و نقش زن در خارج از خانه

- جدول ۵-۲-۶-۳- آزمون رابطه بین محل تولد و مشارکت اقتصادی زنان ۱۰۶
- جدول ۵-۲-۶-۴- آزمون رابطه بین محل تولد و مشارکت فرهنگی زنان ۱۰۷
- جدول ۵-۲-۶-۵- آزمون رابطه بین محل تولد و مشارکت سیاسی زنان ۱۰۸
- جدول ۵-۲-۷-۱- آزمون رابطه بین مدت شهرنشینی و نقش زن در خانه ۱۱۰
- جدول ۵-۲-۷-۲- آزمون رابطه بین مدت شهرنشینی و نقش زن در خارج از خانه ۱۱۰
- جدول ۵-۲-۷-۳- آزمون رابطه بین مدت شهرنشینی و مشارکت اقتصادی زنان ۱۱۰
- جدول ۵-۲-۷-۴- آزمون رابطه بین مدت شهرنشینی و مشارکت فرهنگی زنان ۱۱۰
- جدول ۵-۲-۷-۵- آزمون رابطه بین مدت شهرنشینی و مشارکت سیاسی زنان ۱۱۰
- جدول ۵-۲-۸-۱- آزمون رابطه بین وضعیت تأهل و نقش زن در خانه ۱۱۲
- جدول ۵-۲-۸-۲- آزمون رابطه بین وضعیت تأهل و نقش زن در خارج از خانه ۱۱۲
- جدول ۵-۲-۸-۳- آزمون رابطه بین وضعیت تأهل و مشارکت اقتصادی زنان ۱۱۳
- جدول ۵-۲-۸-۴- آزمون رابطه بین وضعیت تأهل و مشارکت فرهنگی زنان ۱۱۳
- جدول ۵-۲-۸-۵- آزمون رابطه بین وضعیت تأهل و مشارکت سیاسی زنان ۱۱۴
- جدول ۵-۲-۹-۱- آزمون رابطه بین جنس و نقش زن در خانه ۱۱۵
- جدول ۵-۲-۹-۲- آزمون رابطه بین جنس و نقش زن در خارج از خانه ۱۱۶
- جدول ۵-۲-۹-۳- آزمون رابطه بین جنس و مشارکت اقتصادی زنان ۱۱۶
- جدول ۵-۲-۹-۴- آزمون رابطه بین جنس و مشارکت فرهنگی زنان ۱۱۷
- جدول ۵-۲-۹-۵- آزمون رابطه بین جنس و مشارکت سیاسی زنان ۱۱۷
- جدول ۵-۲-۱۰-۱- آزمون رابطه بین تحصیلات مادر و نقش زن در خانه ۱۱۹
- جدول ۵-۲-۱۰-۲- آزمون رابطه بین تحصیلات مادر و نقش زن در خارج از خانه ۱۱۹
- جدول ۵-۲-۱۰-۳- آزمون رابطه بین تحصیلات مادر و مشارکت اقتصادی زنان ۱۱۹
- جدول ۵-۲-۱۰-۴- آزمون رابطه بین تحصیلات مادر و مشارکت فرهنگی زنان ۱۱۹
- جدول ۵-۲-۱۰-۵- آزمون رابطه بین تحصیلات مادر و مشارکت سیاسی زنان ۱۱۹
- جدول ۵-۲-۱۱-۱- آزمون رابطه بین تحصیلات پدر و نقش زن در خانه ۱۲۱
- جدول ۵-۲-۱۱-۲- آزمون رابطه بین تحصیلات پدر و نقش زن در خارج از خانه ۱۲۱
- جدول ۵-۲-۱۱-۳- آزمون رابطه بین تحصیلات پدر و مشارکت اقتصادی زنان ۱۲۱
- جدول ۵-۲-۱۱-۴- آزمون رابطه بین تحصیلات پدر و مشارکت فرهنگی زنان ۱۲۱

- ۱۲۱ جدول ۵-۲-۱۱-۵-آزمون رابطه بین تحصیلات پدر و مشارکت سیاسی زنان
- ۱۲۳ جدول ۵-۲-۱۲-۱-آزمون رابطه بین هزینه‌ماهیهانه‌خانوار و نقش زن در خانه
- ۱۲۳ جدول ۵-۲-۱۲-۲-آزمون رابطه بین هزینه‌ماهیهانه‌خانوار و نقش زن در خارج از خانه
- ۱۲۳ جدول ۵-۲-۱۲-۳-آزمون رابطه بین هزینه‌ماهیهانه‌خانوار و مشارکت اقتصادی زنان
- ۱۲۳ جدول ۵-۲-۱۲-۴-آزمون رابطه بین هزینه‌ماهیهانه‌خانوار و مشارکت فرهنگی زنان
- ۱۲۳ جدول ۵-۲-۱۲-۵-آزمون رابطه بین هزینه‌ماهیهانه‌خانوار و مشارکت سیاسی زنان
- ۱۲۵ جدول ۵-۲-۱۳-۱-آزمون رابطه بین قومیت و نقش زن در خانه
- ۱۲۶ جدول ۵-۲-۱۳-۲-آزمون رابطه بین قومیت و نقش زن در خارج از خانه
- ۱۲۷ جدول ۵-۲-۱۳-۳-آزمون رابطه بین قومیت و مشارکت اقتصادی زنان
- ۱۲۸ جدول ۵-۲-۱۳-۴-آزمون رابطه بین قومیت و مشارکت فرهنگی زنان
- ۱۲۹ جدول ۵-۲-۱۳-۵-آزمون رابطه بین قومیت و مشارکت سیاسی زنان
- ۱۳۰ جدول ۵-۲-۱۴-عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش گام به گام برای پیش بینی متغیر وابسته (نقش زن در خانه)
- ۱۳۱ جدول ۵-۲-۱۵-عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش بینی متغیر وابسته
- ۱۳۲ جدول ۵-۲-۱۶-آزمون رابطه میان متغیرهای مستقل و نقش زن در خانه(متغیرهای خارج از معادله)
- ۱۳۳ جدول ۵-۲-۱۷-عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش گام به گام برای پیش بینی متغیر وابسته (نقش زن در خارج از خانه)
- ۱۳۴ جدول ۵-۲-۱۸-عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش بینی متغیر وابسته
- ۱۳۵ جدول ۵-۲-۱۹-آزمون رابطه میان متغیرهای مستقل و نقش زن در خارج از خانه (متغیرهای خارج از معادله)

فصل اول

۱- کلیات

۱-۱- مقدمه

از دیدگاه بسیاری از اندیشمندان اجتماعی جوامع انسانی بر اساس تقسیم کار اجتماعی شکل گرفته و نظم یافته است. به نظر می‌رسد در اولین جوامع بشری، هر کس هر مقدار که می‌توانسته، برای تامین زندگی خود، هر کاری انجام می‌داده است. اما به تدریج تقسیم براساس سن و جنس شکل گرفت و بعد از آن با ممارست در هر کار و پیدا شدن حرفه‌های گوناگون کارها بر اساس تخصص نیز تقسیم شد. تقسیم کار تخصصی به تدریج از قالب فردی خود خارج شد و در نهادهای اجتماعی تخصص‌گرایی هویدا گردید. به این ترتیب نهادهای اجتماعی هر یک برای رفع یک سلسله از نیازهای انسانی به وجود آمدند (زاهد، ۱۳۸۴: ۲).

در جریان تقسیم کار بر اساس جنس موجب شد تا زنان به علت قوای جسمی کمتر از مردان، به کارهای سبک‌تر روی آورند. همچنین به علت باردار شدن و فرزندآوری و شیردهی، و نیز حوصله و عاطفه بیشتر از مردان برای مراقبت از کودکان به تدریج نقش درجه یک در خانواده به آنان تعلق گرفت. از این رو مردان به کارهای سنگین از نظر جسمی و مربوط به بیرون از خانه پرداختند و زنان به کارهای توأم با نیاز به حوصله و توان عاطفی بیشتر در خانه مشغول شدند. به این ترتیب مردان عهده دار امور نهادهای مختلف شدند و زنان به طور عمده در نهاد خانواده به نقش آفرینی پرداختند. این تقسیم کار موجب شد تا هویت اجتماعی هر خانواده با نقش و جایگاه مرد در شبکه‌ی روابط اجتماعی معین گردد و نقش آفرینی زنان بیشتر در محیط خانواده محسوس گردد. به عبارت دیگر مرد زمینه و جایگاه اجتماعی خانواده را معین کند و زن به سرآوری امکانات کسب شده توسط مرد در محیط خانه بپردازد. به این ترتیب وظیفه‌ی اصلی او تربیت نسل آینده و در واقع انتقال فرهنگ در زمینه‌ای که مرد فراهم می‌کند شد. وظیفه‌ی بسیار سنگین و در عین حال غیر محسوس و به دور از چشم ظاهر بین (زاهد، ۱۳۸۴: ۳).

کار و خانواده، هر دو از تغییرات اجتماعی بنیادینی که فرآیند توسعه اجتماعی و گذر از جامعه قدیم به جامعه نو فراهم آورده است به شدت تاثیر پذیرفته‌اند. مهم‌ترین تحول در نهاد کار به صورت عمومی شدن کار آزاد و عقلانی، انضباط و مدیریت حاکم بر محیط کار، غیر شخصی شدن کار و نظام تولید کارخانه‌ای و سازمان یافته تجلی یافت (توسلی، ۱۳۷۵: ۷۸) و تحول عمده در نهاد خانواده با کوچک شدن آن و انتقال کارکردهایش به سایر نهادهای اجتماع (کار، ۱۳۷۶: ۹۸-۸۷) ظاهر شده است. مهمترین دگرگونی‌ها، جدایی این دو نهاد از یکدیگر و به تعبیری، انتقال تولید از خانه به کارخانه و تبدیل خانواده از یک نهاد تولیدی به یک نهاد مصرفی است (دارندورف، ۱۳۷۷: ۱۶). یکی از پیامدهای چنین تحولی جدی شدن زمینه رسیدگی به وظایف ناشی از نقش‌های خانوادگی همراه با ایفای تعهدات شغلی برای فرد است (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۴۷).

تاریخ بشر گویای آن است که هر جامعه‌ای برای زنان و مردان خود نقشه‌های مختلف و متفاوتی را تعیین نموده و هویت زن و مرد را تعیین کرده است. اما با گذشت زمان و با تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در جوامع تغییر در نقش‌های زنان و مردان باعث دگرگونی در هویت قبلی آنها نیز گردیده است. تاریخ جوامع امروزی نشانگر آن است که نظام پدرسالار نظام مسلط در جوامع بشری بوده است. به طور معمول سلطه مرد را پدرسالاری می‌نامند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۲۰۵). با گسترش نظام سرمایه‌داری تغییراتی در روابط بین دو جنس بوقوع پیوسته است (گیدنز، ۱۳۷۱: ۱۱۷). در جامعه با نظام پدر سالار تقسیم کار بطور سنتی بر تقسیم‌بندی جنسیتی مبتنی بوده است. برای مثال کارهای مردانه با مزد در مقابل کارهای خانگی و بدون مزد زنان قرار دارد (نقش زن در توسعه، ۱۳۷۲: ۱۰). با ورود زنان به بازار کار و بدست آوردن درآمد و ظهور درآمد دوگانه در خانواده‌ها و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های اجتماعی، اقتدار بلامنازع مردان به مبارزه طلبیده شده است (دانج و لی، ۱۹۹۵: ۲۱۵).

نخستین و قدیمی‌ترین رویکرد که استدلال می‌کند کار و خانواده دو حیطه مستقل و جدای از هم هستند که یکدیگر را تحت تاثیر قرار نمی‌دهند، رویکرد تفکیک است. این رویکرد را اساساً کوششی تلقی کرده‌اند که پس از انقلاب صنعتی و جدایی نهاد کار از خانواده می‌کوشد تا نارضایتی شغلی و عدم درگیری کارگران شاغل در مشاغل یقه آبی را با شغل آنها، با این توضیح که کار و خانواده ذاتاً فضاهای جداگانه‌ای از زندگی افراد را تشکیل می‌دهند و تفکیک آنها از هم فرآیندی طبیعی است، توجیه کند. این رویکرد به همین دلیل و به عنوان راه حل از کارگران می‌خواست که فعالانه، سعی کنند این دو محیط و آنچه را که در آن تجربه می‌کنند از

یکدیگر دور نگه دارند (لامبرت^۲، ۱۹۹۱: ۷۲۵). در واقع همراه با انقلاب صنعتی، طبقه متوسط نیز ظاهر شد که در آن قلمرو کار و خانواده نه تنها به لحاظ فیزیکی که از نظر جنسی نیز تفکیک و انحصاری شده بود. بدین ترتیب که در این طبقه، کار، مسئولیت اصلی مردان و خانواده، مسئولیت اصلی زنان تلقی می گردید. این الگو تا سال‌های ۱۹۷۰ که یک انقلاب فمینیستی در ایالات متحده پدید آمد و تعداد زیادی از زنان تحصیل کرده طبقه متوسط وارد بازار کار شدند، الگوی مسلط بود. در حالی که دو دهه پس از آن یعنی در دهه ۹۰ هر چند که به همان ترتیب، کار و خانواده به لحاظ فیزیکی همچنان جدا از یکدیگر نگه داشته می‌شدند، اما دیگر کار، قلمرو انحصاری مردان و خانواده با مسئولیت مراقبت از فرزندان و کارهای خانه-داری حیطه اختصاصی زنان به حساب نمی‌آمد. بدین جهت رویکرد تفکیک رنگ باخت و نظریه‌های جدید ارائه شد که بر روابط متقابل و پیوند کار/ خانواده تاکید داشتند (تنبروزل^۳ و همکاران، ۱۹۹۵: ۵۹).

در تمام جوامع نوعی تقسیم کار بر حسب جنس وجود دارد یعنی کارهایی خاص زنان است و کارهایی خاص مردان. اما ماهیت کارهایی که به وسیله‌ی مرد یا زن انجام می شود در جوامع مختلف متفاوت است و در جامعه‌ی خود ما نیز در طول تاریخ تغییراتی در آن پدید آمده است. تقریباً در بیشتر جوامع نگه‌داری از نوزادان و کودکان خردسال را خاص زنان می‌دانند، ولی در بسیاری از جوامع نیز مردان وظیفه مراقبت از پسران جوان را به عهده می‌گیرند، و در بعضی دیگر نگه‌داری از بچه‌های کوچک‌تر با بچه‌های بزرگ‌تر و یا با پیرزنان است. آشپزی عمدتاً کاری زنانه به حساب می‌آید مگر در ضیافت‌ها و مراسم مخصوص که به مردان واگذار می‌شود. تقریباً در بیشتر جوامع شکار و ماهیگیری کارهای مردانه است حال آنکه کاشت و برداشت محصول را غالباً زنان به تنهایی یا در کنار مردان انجام می‌دهند. مسئولیت مراقبت از دام در بسیاری از جوامع به دوش زنان است. آن‌اوکلی^۴ (۱۹۸۲) بر مبنای همین شواهد نظر داده است که تقسیم کار جنسی ساخته و پرداخته‌ی اجتماع است و ربطی به تفاوت‌های طبیعی دو جنس ندارد، یعنی شغل‌ها مهر مردانه یا زنانه می‌خورند (آبوت^۵، ۱۳۸۳: ۱۷۲).

مهمترین دگرگونی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، جدایی میان محل کار و زندگی بود. در اثر جدایی مکانی، زنان نقش جدیدی، نقش زن متأهل- شاغل، پیدا کردند تغییر موقعیت زنها در خانواده به این نقش جدید وابسته است. در صورتی که کار زنان خود پدیده جدیدی نیست، اما در قرن بیستم شکل خاصی به خود گرفت که باعث بحث و گفت‌وگوی فراوان شد و تاکنون ادامه دارد. آنچه که در هر صورت محرز است، دگرگونی در نقش زنان است. اینکه این دگرگونی الزاماً باعث بهبود موقعیت آنها در خانواده یا افزایش اقتدارشان شده مورد شک و تردید است. عامل مهم دگرگونی نقش زن در

2-Lambert

3- Tenbrusel

4-Ann Oakly

5- Abbott

خانواده، جدایی محل کار و زندگی و ایجاد و نقش مادری و کار است که گویا در برابر یکدیگر قرار می گیرند (اعزازی، ۱۳۸۰:۱۳۸).

باید اشاره کرد که مشخص ترین تفاوت بیولوژیکی دو جنس، قابلیت فرزندآوری زنان است، قابلیت مردان فاقد آن هستند. اما به نظر می رسد، این قابلیت نه تنها به نفع زنان نبوده بلکه به ضررشان نیز بوده است. خصوصیت فرزندآوری زنان، بخصوص در دورانی که شرایط زندگی خشن، سخت و پر از خطر بود سبب تقسیم وظایف و نقشها شد بطوریکه زن و فرزند در محدوده خانه باقی ماندند. و مرد وظیفه محافظت و دفاع را بر عهده گرفت اما در دنیای فعلی که هر دو جنس شرایط انجام فعالیتهای مشابه مانند آشپزی، ماشین نویسی، خلبانی هواپیما و غیره را دارند باز هم این تقسیم وظایف و نقشها برجاست یعنی آشپزی و ماشین نویسی کار متداول خانمها شمرده می شود و خلبانی هواپیماکاری مردانه (همان، ۱۸۹-۱۸۸).

برخی مهمترین نقش زنان را در خانواده تولید نسل دانسته اند اما در خانواده انسانی وظایف دیگری نیز برای زنان در نظر گرفته شده که به لحاظ اهمیت با مورد ذکر شده برابری می نماید. نقش اقتصادی، مذهبی، انتقال فرهنگی، و... که بر حسب ارزشهای حاکم بر جامعه، زمان و مکان و شرایط خاص، هر کدام به نوعی اهمیت می یابند. از جمله وظایف مهم زنان باید اجتماعی ساختن افراد جامعه و تبدیل آنان به عضوی مفید برای جامعه ای که در آن زندگی می کنند را خاطر نشان کرد. زنان در هر جامعه ای نقش اساسی و زیربنایی را برعهده دارند. پایه های نظام ارزشی و اخلاقی در جوامع متفاوت به دست زنان و با آموزشهای عقیدتی آنان مستحکم شده به نسل آینده انتقال می یابد. ساختار نظام ارزشی و اخلاقی حاکم بر خانواده و محیط کار همچنین انضباط کاری و اجتماعی که بدون شک اصولی ترین پایه های فرهنگی هر کشور را تشکیل می دهند با نگرش زنان به آن امور و در محیط خانواده شکل می گیرد. زنان با تدبیر و توانایی رهبری خاص خود خواهند توانست روابط صحیح و اصولی را بین افراد داخل منزل با یکدیگر و حتی افراد خارج منزل برقرار کنند (غفاری-مردی، ۱۳۸۴:۲۵).

بررسی نحوه تقسیم وظایف در جوامع ابتدایی نشان می دهد که مردان قادر به انجام تمام وظایف زنان هستند اما چنین نمی کنند، و این در حالیست که کارهای منحصر مردانه تمامی وقت آنان را به خود اختصاص نمی دهد. هیچ جامعه ای وجود ندارد که در آن مردان و زنان در انتخاب وظایفی که تقبل می کنند آزاد باشند. مسئولیتهایی که شامل نظارت، مدیریت و تصمیم گیری هستند- یعنی وظایفی در عالیترین سطوح و بی هیچ نیازی به صرف نیروی بدنی- به مردان محول می شوند. چه در جوامع صنعتی و چه در جوامع ابتدایی، مردان با تقبل چنین وظایفی از سوی زنان مخالفت ورزیده و خود نیز به انجام کارهای زنانه رغبتی نشان نمی دهند. در قرن نوزدهم و اوایل سده بیستم زن و مرد نقشهایی به وضوح تفکیک شده را ایفا می کردند. حتی زندگی اجتماعی آنان نیز به وضوح تفکیک

یافته بود به نحوی که زنان موسسات خیریه خاص خود را داشتند و مردان باشگاههای مردانه را (سگالن، ۱۳۸۰: ۲۶۶-۲۳۲).

از دیر باز تاریخ تاکنون، به علت عرفها و سنتهای کلیشه‌ای جوامع، کمابیش نقش زنان تنها به مادر بودن و همسر بودن محدود شده و پذیرش مسئولیت و شغل خارج از خانه نیز، مشروط به همزمان بودن این مسئولیت در کنار مسئولیت خانه‌داری بوده است. به دلیل وجود چنین نگرشی، زنان، دسترسی آسانی به کار خارج از منزل نداشته و اشتغال آنان تنها در مشاغل انگشت‌شماری، عرف اجتماع را به تأیید خویش برانگیخته است که متأسفانه این امر در کشور ما نیز صادق است (موحدی، ۱۳۸۰: ۷). همان گونه که از اسناد و مدارک تاریخی برمی‌آید، زنان هیچ‌گاه به دور از فعالیتهای خارج از منزل نبوده‌اند و اداره خانه و تربیت فرزندان را خارج از وظیفه خود نمی‌دانسته‌اند، لذا زنان در این صورت، همواره مسئولیت مضاعفی را به عهده داشته‌اند، یعنی سنگینی بار کار خارج از خانه و مشکلات رسیدگی به فرزندان و خانه را به دوش کشیده‌اند، به طوری که مهمترین مسأله‌ای که برای زنان شاغل امروز وجود دارد، چگونگی ایفای نقشهای سنتی ناشی از فرهنگ و عرف و شرع و هماهنگی آنها با نقشهایی است که مسئولیتهای اجتماعی و اقتصادی زنان در دنیای امروز ایجاد کرده و این در حالیست که در مناسبات اجتماعی و بویژه در فرآیند توسعه، زنان بعنوان نیمی از آمار عظیم جامعه، اهرم‌بازوی توسعه بوده و عامل مهمی در پیشبرد فعالیتهای اقتصادی محسوب می‌شوند، به گونه‌ای که حضور زنان در این راستا، همواره حضوری در مسیر واقعی زندگی به معنای سازندگی، خلاقیت و تکامل انسانیت است (همان، ۱۳).

در اغلب مناطق دنیا این تمایل وجود دارد که زنان در مشاغل خاصی که به دو دسته تقسیم می‌شوند، تمرکز یابند. اولین دسته، مشاغل سنتی مختص زنان همچون معلمی، پرستاری یا بخشهای خدماتی است که با وظایف خانگی آنان سازگار است و به مهارتهایی نیاز دارد که زنان، بدان منظور در اجتماع تربیت شده‌اند. دومین دسته مشاغل، در صنایع کاربر و بخش صادراتی است که در آن به تکرار کار و مهارت در به کارگیری از دستها نیاز است (آنکر، ۱۹۹۸: ۴۰). امروزه توجه به نقش زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی، نه تنها از موضوعات و اهداف اساسی توسعه اجتماعی و اقتصادی در هر کشور به شمار می‌رود، بلکه ابزاری موثر در تحقق دیگر اهداف توسعه نیز محسوب می‌شود. از این رو یکی از شاخصهای درجه توسعه یافتگی یک کشور، میزان مشارکت و نقشی است که زنان در آن کشور دارا هستند (فلیحی، ۱۳۸۰: ۵۳).

فمینیست‌ها آنچه را زنان خانه‌دار در عمل انجام می‌دهند به محک تجربه‌زده و به نظریه‌هایی پرداخته‌اند که ارتباط خانه‌داری را با ساختار اجتماعی و به طور کلی با اقتصاد جامعه توضیح می‌دهد. بحث همه فمینیست‌ها این بوده که خانه‌داری کاری سخت و توان‌فرساست. باوری که زن خانه‌دار را «ضعیفه» تلقی می‌کند از آن جا سرچشمه گرفته که کارهای خانه پنهان از دید عموم و بدون چشم-

6- Segalen

7-Anker